

Comparison of the Causes of Marital Conflicts in the Last Three Decades

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Rudabeh Hooshmandi ¹

Khodabakhsh Ahmadi ²

Alireza Kiamanesh ³

How to cite this article

Rudabeh Hooshmandi, Khodabakhsh Ahmadi, Alireza Kiamanesh, Comparison of the causes of marital conflicts in the last three decades, Journal of Islamic Life Style Centered on Health, 2020;4(2):72-81.

ABSTRACT

In recent decades the family in Iran, under the influence of internal and external factors has changed. One of these changes is the increase of conflict in the family and the consequent collapse of the couple's relationship, which has become one of the main challenges of the contemporary family. The aim of the present study was to compare the causes of marital conflicts in the last three decades (1991-2020) with a comparative method. by Convenience Sampling were selected 225 conflicting couples (450 people) married in three decades (1991-2020) were selected from couples referring to a counseling and psychology center in Tehran in 2019-2020 and 19-factor checklist of marital conflict It was given to them to complete The results of analysis of variance showed into marital conflicts trajectory of those married during the three decades (1990s-2000s-2010s) indicated that there are significant differences in factors of frustration, the absence of care and support, economic and occupational problems power structure, unattractiveness, sexual dissatisfaction, past romantic relationships problems, personality and behavioral problems and religion issues. that some factors related to marital conflicts depends on time conditions. as a result, for every decade, the identification and then determination of the roles of these factors in marital conflicts is suggested.

¹ PhD Student in Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Professor in Behavioral Sciences Research Center, Baqiyatallah University of Medical, Tehran, Iran (Corresponding Author)

³ Professor in Department of Counseling, Kharazmi university, Tehran. Iran.

Keywords: Marital Conflicts, Frustration, Absence of Care And Support, Power Structure, Sexual Dissatisfaction.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: kh_ahmady@yahoo.com

Article History

Received: 2020/05/11

Accepted: 2020/08/18

ePublished: 2019/09/22

مقایسه علل تعارضات زناشویی در سه دهه اخیر

رودابه هوشمندی^۱

دانشجوی دکتری مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خدابخش احمدی

استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

علیرضا کیامتش^۲

استاد گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

خانواده در چند دهه اخیر در ایران، تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی دچار تغییر و تحول شده است، از جمله این تغییرات افزایش تعارض در خانواده و به دنبال آن فروپاشی روابط زوجین میباشد، که به یکی از چالشهای اساسی خانواده معاصر تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه علل تعارضات زناشویی در سه دهه اخیر (۹۸-۱۳۷۰) با روش مقایسه‌ای انجام شد، تعداد ۲۲۵ زوج (۴۵۰ نفر) متعارض مزدوج شده در سه دهه (۹۸-۱۳۷۰) از بین زوجین مراجعه کننده به یکی از مراکز مشاوره و روانشناسی در شهر تهران در سال ۹۹-۱۳۹۸ با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و چک لیست ۱۹ عاملی تعارضات زناشویی جهت تکمیل در اختیار آنها قرار داده شد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد، بین زوج‌های متعارض مزدوج شده در سه دهه، از لحاظ عاملهای عدم حمایت و مراقبت، سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، عدم جذابیت، نارضایتی جنسی، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی، مشکلات شخصیتی و رفتاری و عوامل مذهبی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. برخی از عوامل تعارضات زناشویی تابعی از شرایط زمانی است، لذا شناسایی فهرست و سهم این عوامل در هر دهه در کنترل و پیشگیری از تعارضات زناشویی موثر است.

واژه‌های کلیدی: تعارضات زناشویی، سرخوردگی، ساختار قدرت، نارضایتی جنسی، عدم حمایت و مراقبت.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

* نویسنده مسئول: kh_ahmady@yahoo.com

مقدمه

ازدواج به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین سنت اجتماعی و پایه و اساس خانواده، یک رابطه‌ی ظریف و پویا با ویژگی‌های خاص است (۱). که از طریق آن خانواده شکل می‌گیرد، مناسبات خانوادگی تضمین کننده آینده جامعه است (۲). لذا دستیابی به جامعه سالم، در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است (۳). اما همیشه روابط بین اعضای خانواده و خصوصاً زوجین به صورت مطلوب نیست و آسیب‌هایی این روابط را تهدید می‌کند و یکی از عمده‌ترین پیامدهای آسیب در خانواده بروز تعارضات زناشویی است (۴)، زمانی که زوجین بین اهداف، انتظارات و نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابل ناهمخوانی و ناهمسازی می‌بینند، تعارض رخ می‌دهد (۵)، در نتیجه

اگر چنین وضعیتی شدت یابد، همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و ناخشنودی می‌کنند (۶) که این احساس منجر به دشمنی، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین می‌شود (۷) و در نهایت به تخریب رابطه خواهد انجامید (۸). بروز تعارضات زناشویی ناشی از عوامل متعددی است که پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد (۹)، تعارض زناشویی می‌تواند طلاق، متارکه، خشونت علیه همسر و فرزندان و حتی گاهی اوقات تنبلی بین یکی از والدین با فرزندان در مقابل والد دیگر را بوجود آورد، لذا زمانی که محیط خانه در آشفتگی باشد افراد خانه نمی‌توانند احساس امنیت و صلح داشته باشند و این تعارض بین زن و شوهر مانع صلح و پیشرفت خانواده می‌شود با توجه به این مسئله به نظر می‌رسد تعارضات زناشویی می‌توانند مشکلات جدی را در روابط خانوادگی و کیفیت زندگی بوجود آورند و در درازمدت پیامدهای منفی خود را بر روی جامعه نمایان سازد و هزینه‌هایی را برای جامعه به دنبال داشته باشد (۱۰).

در بررسی تعارضات زناشویی و علل و عوامل آن به این نکته باید توجه نمود که خانواده در جهان امروز و به دنبال تحولات ایجاد شده، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است (۱۱). به درستی باید گفت که خانواده همپای جامعه حرکت می‌کند و در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی تری یافته است، در واقع خانواده به عنوان دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی، حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد (۱۲). برجسته‌ترین نمود تحولات در حوزه خانواده در دهه‌های اخیر را می‌توان در تغییر خانواده از گسترده به هسته‌ای، انتخاب آزاد همسر، استقلال اقتصادی زنان، گسترش حقوق زنان، تغییر ساختار توزیع قدرت مردسالارانه در خانواده جستجو کرد (۱۳) لذا خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و تعادل ساختاری آن با چالش روبه‌رو شده است (۱۱). بنابراین نمی‌توان از خانواده به عنوان امری تغییرناپذیر و ایستا صحبت کرد، روندهای صعودی طلاق در دهه‌های اخیر از مشخصه‌های بارز تحولات در حوزه خانواده است (۱۴). اکنون این سوال ایجاد می‌شود آیا زوج‌ها و خانواده‌های کنونی همان تغییرات و تعارضاتی را تجربه می‌کنند که زوج‌های دهه‌های قبل تجربه می‌کنند؟ در پاسخ، باید به دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر و به دنبال آن دگرگونی‌هایی که در ساختار، شکل، کارکردهای خانواده، نقش اعضای خانواده و انتظارات افراد از ازدواج و رابطه زناشویی پدید آمده است، رجوع کنیم؛ چراکه این دگرگونی‌ها علاوه بر ساختار نهاد خانواده، رابطه زناشویی را با تعارضاتی متفاوت و مضاعف نسبت به گذشته روبه‌رو ساخته است و رابطه بین زوجین و منابع تعارضات بین آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است، لذا از آنجایی که برخی از عوامل تعارضات زناشویی تابعی از شرایط زمانی است، بررسی سیر تحول تعارضات در دهه‌های مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. چرا که بدیهی است که اگر دگرگونی‌هایی که در ساختار جامعه و خانواده رخ داده است، با تغییری موازی در عرصه نظری و مطالعاتی همراه نشود و بر همان شیوه‌های سابق جهت حل مسائل و آسیب‌های خانواده اقدام شود، امکان شناخت درست این تغییرات و پیشگیری از پیامدهای آن جامعه را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین حفظ و تداوم خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی و کانونی برای رشد، تکامل، التیام و تغییر و تحول آسیب، که هم بستری برای شکوفایی و هم فروپاشی روابط میان اعضایش است از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (۱۵) و آنالیز و شناسایی دلایلی که منجر به تعارضات زناشویی می‌شوند خصوصاً به تفکیک دهه‌های ازدواج نقش مهمی در حل و کنترل تعارضات زناشویی و ثبات خانواده دارد. لذا با عنایت به مطالب ذکر شده

1. Conflict

که مدل مذکور با داده‌ها برازش قابل قبولی دارد و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضرایب آلفای کرونباخ برای کل چک لیست تعارضات زناشویی، ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌های آن، به تفکیک عبارتند از عامل مسائل مربوط به پیش از ازدواج و فرایند ۰/۹۱، عدم روراستی ۰/۹۳، عدم صمیمیت ۰/۸۳، عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر ۰/۷۹، الگوهای ارتباطی و حل تعارض ناکارآمد ۰/۸۶، عدم جرات ورزی ۰/۷۳، سرخوردگی ۰/۷۶، مسائل مربوط به خانواده‌های مبدا ۰/۸۸، مشکلات اقتصادی و شغلی ۰/۸۹، ساختار قدرت ۰/۷۲، عدم جذابیت ۰/۸۱، (نارضایتی جنسی ۰/۹۱، مشکلات جنسی ۰/۷۷، عدم تعهد ۰/۸۱، مسائل مربوط به فرزندان و باروری ۰/۷۳، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی ۰/۸۶، عدم وظیفه شناسی ۰/۷۱، مشکلات شخصیتی و رفتاری ۰/۷۹، عوامل مذهبی ۰/۸۳، که نشان دهنده ضریب اعتبار مناسب چک لیست تعارضات زناشویی می‌باشد.

بیان یافته‌ها

جهت مقایسه تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های آن در زوج‌های متعارض سه دهه اخیراز تحلیل واریانس یک عاملی و آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. نتایج شاخص‌های توصیفی و تفاوت گروه‌ها در عامل‌های تعارضات زناشویی در جدول (۲) قابل مشاهده است.

۱/۵۹٪، ۳۶٪، ۸۹٪، ۶۹٪، ۵۵٪، ۴۲٪ و ۳۳٪ بود که در مجموع این نوزده عامل ۹۹/۷۷ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند.

چک لیست ۳۲۷ گویه‌ای در طیف پنج درجه‌ای لیکرت از اصلا (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) درجه بندی شده است. در پژوهش حاضر، به منظور تعیین روایی و ساختار عاملی این چک لیست از روش روایی سازه استفاده شد. به منظور تعیین روایی سازه، از روش تحلیل عاملی تأییدی و استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که همه ماده‌های چک لیست طراحی شده تعارضات زناشویی دارای ضرایب قابل قبولی هستند. یعنی تمامی ماده‌ها دارای بار عاملی بالای ۰/۳۰ بودند و روی عامل‌های مورد نظر به طور معنی‌دار بار گذاشته‌اند. علاوه بر این، تمامی ضریب همبستگی بین خرده مقیاس‌های این ابزار یعنی چک لیست طراحی شده تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۱ $p \leq$ و ۰/۰۵ $p \leq$ معنی‌دار بودند که شاهدهی بر روایی سازه آن است.

همچنین، جهت بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. لذا، برای تعیین کفایت برازندگی مدل با داده‌های ترکیبی از شاخص‌های برازندگی، مانند آزمون نیکویی برازش مجذور χ^2 ، مجذور χ^2 بر درجات آزادی (χ^2/df) ، شاخص نیکویی برازش (GFI) ، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده $(AGFI)$ ، شاخص برازش تطبیقی (CFI) ، شاخص برازش افزایشی (IFI) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب $(RMSEA)$ استفاده می‌شود. جدول (۱) شاخص‌های برازندگی مربوط به چک لیست تعارضات زناشویی را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های برازندگی مدل تحلیل عاملی تأییدی چک لیست تعارضات زناشویی

شاخص‌های برازندگی خرده مقیاس	χ^2	df	χ^2/df	p	GFI	AGFI	CFI	IFI	RMSEA
خرده مقیاس‌های چک لیست تعارضات زناشویی	۴۳۲/۳۴	۱۴۶	۲/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۷۴	۰/۰۸

با توجه به شاخص‌های به دست آمده می‌توان گفت که مدل مذکور با داده‌ها برازش قابل قبولی دارد و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در مجموع، نتایج تحلیل عاملی تأییدی روی خرده مقیاس‌های پرسشنامه تعارضات زناشویی نشان داد که مقدار مجذور χ^2 برابر با ۴۳۲/۳۴ با درجه آزادی ۱۴۶ و سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ به دست آمده است. مقدار شاخص مجذور χ^2 نسبی یا مجذور χ^2 بر درجات آزادی (χ^2/df) نیز ۴/۷۶ به دست آمد. به علاوه، مقادیر سایر شاخص‌های برازندگی، شامل شاخص نیکویی برازش $(GFI = ۰/۸۵)$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده $(AGFI = ۰/۷۸)$ ، شاخص برازش تطبیقی $(CFI = ۰/۸۶)$ و شاخص برازش افزایشی $(IFI = ۰/۷۴)$ ، حاکی از آنند که الگو قابل قبول است (لوماکس^۶ و شوماکر^۷، ۲۰۰۹). مقدار ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب $(RMSEA = ۰/۰۸)$ محاسبه شد که مقداری نسبتاً قابل قبول است. به طور کلی، با توجه به شاخص‌های به دست آمده می‌توان گفت

1 Goodness of fit index

2 Adjusted goodness of fit index

3 Comparative fit index

4 Incremental fit index

5 Root mean square error of approximation

6 Lomax

7. Schumacker

جدول ۲. نتایج حاصل از مقایسه سه دهه (۹۰-۸۰-۷۰) در مولفه های تعارضات زناشویی

متغیر	گروهها	میانگین	انحراف معیار	میزان F	سطح معنی داری	جایگاه تفاوت براساس آلفای بونفرونی
مسائل پیش از ازدواج	دهه ۱۳۷۰	۹۷/۲۲	۱۳/۴۴	۲/۲۰	۰/۱۱۲	-
	دهه ۱۳۸۰	۹۶/۶۱	۱۳/۳۶			
	دهه ۱۳۹۰	۹۶/۲۸	۱۲/۹۱			
عدم روراستی	دهه ۱۳۷۰	۷۷/۱۲	۹/۱۱	۲/۸۵	۰/۰۵۹	-
	دهه ۱۳۸۰	۷۶/۱۱	۹/۲۶			
	دهه ۱۳۹۰	۷۴/۹۱	۸/۲۳			
عدم صمیمیت	دهه ۱۳۷۰	۳۶/۲۷	۵/۲۲	۱/۳۰	۰/۲۷۴	-
	دهه ۱۳۸۰	۳۷/۱۸	۵/۴۴			
	دهه ۱۳۹۰	۳۷/۹۱	۶/۰۷			
عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر	دهه ۱۳۷۰	۴۱/۷۷	۸/۹۱	۸/۵۱	۰/۰۰۱	۹۰ < ۸۰ < ۷۰
	دهه ۱۳۸۰	۳۵/۰۱	۶/۴۳			
	دهه ۱۳۹۰	۳۰/۲۴	۶/۱۱			
الگوهای ارتباطی و حل تعارض ناکارآمد	دهه ۱۳۷۰	۸۷/۹۱	۹/۲۲	۱/۹۸	۰/۱۳۹	-
	دهه ۱۳۸۰	۸۶/۹۱	۸/۱۲			
	دهه ۱۳۹۰	۸۸/۲۰	۷/۶۰			
عدم جرات ورزی	دهه ۱۳۷۰	۳۶/۱۹	۵/۸۷	۱/۰۹	۰/۳۳۹	-
	دهه ۱۳۸۰	۳۶/۲۱	۵/۶۴			
	دهه ۱۳۹۰	۳۷/۲۵	۶/۰۱			
سرخوردگی	دهه ۱۳۷۰	۳۰/۲۱	۵/۰۲	۶/۱۲	۰/۰۰۲	۹۰ > ۸۰ > ۷۰
	دهه ۱۳۸۰	۳۳/۹۴	۵/۲۲			
	دهه ۱۳۹۰	۳۹/۸۸	۷/۱۱			
مسائل مربوط به خانواده های مبدا	دهه ۱۳۷۰	۱۰۱/۱۲	۱۸/۲۸	۰/۲۹	۰/۷۵۲	-
	دهه ۱۳۸۰	۱۰۲/۱۱	۱۷/۹۹			
	دهه ۱۳۹۰	۱۰۴/۶۸	۱۸/۲۲			
مشکلات اقتصادی و شغلی	دهه ۱۳۷۰	۵۱/۱۱	۷/۹۹	۶/۶۸	۰/۰۰۱	۹۰ > ۸۰ > ۷۰
	دهه ۱۳۸۰	۵۸/۵۲	۷/۸۸			
	دهه ۱۳۹۰	۶۶/۰۶	۹/۱۰			

						دهه ۱۳۷۰				
				۵/۲۲	۲۹/۸۷	دهه ۱۳۷۰				
۹۰ > ۸۰ > ۷۰	-/۰۰۲	۶/۲۰		۵/۸۹	۳۶/۰۴	دهه ۱۳۸۰	ساختار قدرت			
				۶/۲۱	۴۲/۰۴	دهه ۱۳۹۰				
۹۰ < ۸۰ < ۷۰	-/۰۰۹	۴/۷۵		۷/۱۲	۵۹/۸۴	دهه ۱۳۷۰	عدم جذابیت			
				۶/۶۶	۵۳/۲۴	دهه ۱۳۸۰				
				۶/۰۱	۴۷/۱۲	دهه ۱۳۹۰				
۹۰ < ۸۰ < ۷۰	-/۰۰۸	۴/۹۱		۶/۱۱	۴۹/۱۲	دهه ۱۳۷۰	نارضایتی جنسی			
				۵/۲۱	۴۴/۲۸	دهه ۱۳۸۰				
				۶/۱۲	۳۸/۷۷	دهه ۱۳۹۰				
-	-/۴۸۹	۰/۷۲		۱۰/۱۲	۷۵/۲۳	دهه ۱۳۷۰	مشکلات جنسی			
				۹/۸۲	۷۴/۷۸	دهه ۱۳۸۰				
				۱۰/۱۲	۷۶/۱۱	دهه ۱۳۹۰				
-	-/۰۹۶	۲/۳۶		۷/۱۸	۶۵/۵۱	دهه ۱۳۷۰	عدم تعهد			
				۷/۹۱	۶۶/۲۲	دهه ۱۳۸۰				
				۷/۰۸	۶۶/۰۱	دهه ۱۳۹۰				
-	-/۰۸۶	۰/۴۷		۴/۱۲	۲۸/۱۸	دهه ۱۳۷۰	مسائل مربوط به فرزندان و باروری			
				۴/۲۲	۲۸/۶۸	دهه ۱۳۸۰				
				۴/۰۰	۲۸/۲۸	دهه ۱۳۹۰				
۹۰ > ۸۰ > ۷۰	-/۰۲۴	۳/۷۸		۶/۱۱	۳۴/۲۹	دهه ۱۳۷۰	مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی			
				۶/۱۸	۳۹/۱۲	دهه ۱۳۸۰				
				۷/۲۸	۴۶/۱۲	دهه ۱۳۹۰				
-	-/۰۶۴	۲/۷۷		۴/۱۲	۲۶/۱۴	دهه ۱۳۷۰	عدم وظیفه شناسی			
				۴/۶۷	۲۵/۹۳	دهه ۱۳۸۰				
				۴/۲۳	۲۶/۱۵	دهه ۱۳۹۰				
۹۰ > ۸۰ > ۷۰	-/۰۱۰	۴/۷۰		۸/۱۲	۵۸/۶۵	دهه ۱۳۷۰	مشکلات شخصیتی و رفتاری			
				۸/۲۱	۶۴/۶۱	دهه ۱۳۸۰				
				۹/۱۹	۷۳/۱۲	دهه ۱۳۹۰				
	-/۰۳۰	۳/۵۵		۲/۸۹	۱۹/۲۱	دهه	عوامل مذهبی			

		۱۳۷۰
		دهه
۳/۷۰	۲۳/۲۳	۱۳۸۰
		دهه
۲/۱۱	۱۶/۰۳	۱۳۹۰

که انتظارات برآورده نمی‌شوند زوجین دچار ناکامی و سرخوردگی می‌شوند و هر چه افراد متأهل بین انتظارات زناشویی و واقعیت زناشویی در حال تجربه خود، فاصله و اختلاف بیش‌تری احساس کنند، به همان میزان از رضایت زناشویی کم‌تری بهره‌مند خواهند بود، چنان‌چه، افراد رابطه زناشویی در حال تجربه خود را ارضاکنده انتظارات یاد شده ندانند، ناکام می‌مانند و در چرخه احساسات منفی چون ناراضی، خشم، افسردگی و اضطراب گرفتار می‌شوند و برای گریز از چنین احساساتی به اقدامات مقابله‌ای توسل می‌جویند (۱۶). در نتیجه تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد.

توقعات غیر واقع بینانه و ایده آل گرایانه امروزه، عامل بسیاری از ناسازگاری‌ها و جدایی‌هاست و یکی دلایل احساس سرخوردگی زوجین جوان نسبت به زوجین دهه‌های قبل را می‌توان در توقعات غیرواقع بینانه آنها یافت، گاهی افراد انتظارات غیرواقع بینانه ای را نسبت به شریک زندگی دارند. آنها انتظار دارند که همسرشان تمام خلا و نقص‌هایی که قبل از ازدواج داشته اند را برطرف سازد، لذا بعد از ازدواج زمانی که انتظارات آنان محقق نمی‌شود احساس ناامیدی و ناکامی در آنها شکل می‌گیرد و زمینه برای ایجاد تعارضات فراهم می‌گردد، همچنین زوج‌های دهه‌های قبل به دلیل پختگی و تجربه‌ای که بعد از سال‌ها زندگی کسب کرده اند نسبت به زوجین جوان تر، دریافته‌اند که در زندگی مشترک ممکن است همه‌ی انتظارات برآورده نشود و عدم برآورده شدن تمامی انتظارات یا نرسیدن به تمامی خواسته‌ها دلیل بر پشیمانی و ناامیدی از زندگی مشترک نیست، همچنان‌که نتایج پژوهش‌های محققان نشان داد که افزایش سن، سبب استفاده بیشتر از روش‌های حل تعارض سازنده می‌شود (۱۸-۱۷). هرچه تعارضات کمتر باشد و شیوه‌های حل آن موثرتر قاعدتا میزان سرخوردگی نیز کمتر است.

مسائل اقتصادی و شغلی یکی دیگر از عواملی بود که در زوجین دهه ۱۳۹۰ بیشتر از دو دهه دیگر بود، درآمد خانواده از عوامل مهم تعارضات میان زوجین است هر چه که زوجین بیشتر نگران مسائل مالی و اقتصادی باشند تعارضات بین آنها بیشتر خواهد بود، داشتن ثبات اقتصادی و شغلی و وجود یک منبع درآمد در زوجینی که سال‌های زیادی از ازدواج آنها می‌گذرد، می‌تواند نگرانی‌های آنان را کاهش دهد و عوامل اقتصادی نقش کمتری در ایجاد تعارضات آنها داشته باشد، اما در زوج‌های جوان که احتمالا دارای ثبات اقتصادی و شغلی نیستند یا از لحاظ مالی وابسته به دیگران هستند می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تعارضات آنها داشته باشد بیکاری، در زوج‌های جوان بیش از زوج‌های دو نسل قبل زمینه ساز ایجاد تعارضات بود، یکی از دلایل این امر را می‌توان در سیاست‌های جمعیتی جستجو کرد، در دهه‌های ۱۳۶۰ و اوایل ۱۳۷۰ نرخ رشد جمعیت صعودی بود جمعیت متولد شده در آن سالها اکنون از دانشگاه‌ها فارغ التحصیل شده‌اند و نیازمند شغل متناسب با تخصص و دانش خود هستند اما با توجه به فراهم نبودن بسترهای شغلی برای آنها، نرخ بیکاری در دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است لذا طبیعی است که بیکاری در ادامه بی‌پولی مانع ارضای نیازها و انتظارات افراد شود در نتیجه اثرات منفی بیکاری بر رابطه بین زوجین و زندگی خانودگی خود را در قالب تعارض بین زوجین نشان می‌دهد. از دیگر عواملی که در زوجین دهه ۱۳۹۰ بیشتر از دو دهه دیگر بود مسائل مربوط به ساختار قدرت و روابط عاطفی قبلی زوجین بود، یکی از دگرگونی‌ها در ساخت خانواده بویژه کنش متقابل میان زن و

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین تعارضات زناشویی (MC) و مؤلفه‌های عدم صمیمیت، الگوهای ارتباطی و حل تعارض ناکارآمد، عدم جرات ورزی، سرخوردگی، مسائل مربوط به خانواده‌های مبدأ، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، مشکلات جنسی، عدم وظیفه‌شناسی، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی در زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۹۰ بالاتر از زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بود. همچنین، میانگین مؤلفه‌های عدم تعهد، مسائل مربوط به فرزندان و باروری، عوامل مذهبی در زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۸۰ بالاتر از زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۹۰ بود. در نهایت، میانگین مؤلفه‌های مسائل مربوط به پیش از ازدواج و فرایند، عدم روراستی، عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر، عدم جذابیت، ارضایی جنسی در زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۷۰ بالاتر از زوج‌های متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بود. با مراجعه به ستون سطح معنی‌داری از لحاظ مؤلفه‌های عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر، سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، عدم جذابیت، ناراضی جنسی، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی، مشکلات شخصیتی و رفتاری، عوامل مذهبی تفاوت معنی‌دار وجود دارد (p < ۰/۰۵). ولی در سایر عوامل تفاوت معنی‌دار بین زوج‌های متعارض مزدوج شده در سه دهه، وجود ندارد، به این صورت که عامل‌های عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر، عدم جذابیت، ناراضی جنسی در تعارضات زوجین مزدوج شده دهه ۱۳۷۰ سهم بیشتری را نسبت به دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به خود اختصاص داده بودند، همچنین عامل‌های ذکر شده در زوج‌های دهه ۱۳۸۰ سهم بیشتری را نسبت به دهه ۱۳۹۰ داشتند و عامل‌های سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی و مشکلات شخصیتی و رفتاری در تعارضات زوجین دهه ۱۳۹۰ سهم بیشتری را نسبت به زوجین دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۷۰ به خود اختصاص دادند و در زوجین دهه ۱۳۷۰ نسبت به دهه ۱۳۸۰ سهم کمتری داشتند، در نهایت نقش عوامل مذهبی در ایجاد تعارضات در زوجین دهه ۱۳۸۰ بیشتر از زوجین دهه ۱۳۷۰ و در دهه ۱۳۷۰ بیشتر از دهه ۱۳۹۰ بود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات بنیادین در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، باعث دگرگونی‌های فراوان در ساختار خانواده و در پی آن کارکردهایش شد، هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکارکردی می‌شود (۱۱). بنابراین تحول روابط میان زوجین، در دهه‌های اخیر، قابل تردید نیست. تحولاتی که گاهی به افزایش ناسازگاری‌ها و فزونی طلاق انجامیده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد، بین زوج‌های متعارض مزدوج شده در سه دهه، از لحاظ عامل‌های عدم حمایت و مراقبت، سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، عدم جذابیت، ناراضی جنسی، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی، مشکلات شخصیتی و رفتاری و عوامل مذهبی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. عامل‌های سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی، در زوجین متعارض مزدوج شده در دهه ۱۳۹۰ بیشتر از دو دهه دیگر بود، در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد با انتظارات معینی وارد رابطه می‌شوند و یکی از دلایل ازدواج تحقق انتظارات است اما وقتی

ابراز علاقه و حمایت از یکدیگر را نمی‌دانند یا به دلیل شیوه‌های تربیتی و فرهنگی از تحلیل شیوه‌هایی که طرف مقابل برای اعلام محبت و یا بیان مقصود خود به کار می‌گیرد، عاجزند. مردان گمان می‌کنند که اگر همسرش خواسته‌هایش را صراحتاً بر زبان بیاورد هیچ مشکلی بوجود نخواهد آمد و زن نیز پیوسته از ضعف عاطفی و احساسی شوهر گلایه می‌کند اما زوجین جوانتر به دلیلی میزان ابراز گری بیشتری که دارند در این عامل ممکن است کمتر دچار تعارضات شوند. از طرف دیگر عجز کردن ارتباطات جنسی با عاطفه و صمیمیت اصلی است که در تحقیقات و متون مختلف به آن پرداخته شده است (۲۲-۲۳-۲۴) بنابراین با توجه به اینکه عدم حمایت و مراقبت عاطفی زوجین دهه ۱۳۷۰ نسبت به دود ده دیگر بیشتر بود طبیعی است که میزان رضایت جنسی نیز کمتر باشد از طرف دیگر در تبیین نارضایتی جنسی در این زوجین را می‌توان به استفاده از رسانه‌های شنیداری و دیداری به خصوص کانال‌های ماهواره‌ای به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بسته‌های فرهنگی در روابط جنسی خانواده‌ها و بالا بردن سطح توقعات و انتظارات جنسی زوجین خصوصاً مردان اشاره کرد، زنان نسل اول و حتی دوم به دلایل فرهنگی و تربیتی دارای بازداری های جنسی از جمله عدم پیشقدم شدن در روابط جنسی وضعیت مهارت های جنسی هستند و این مساله موجب نارضایتی مردان می‌گردد از طرف دیگر زنان می‌خواهند همسرشان به ترجیحات آن‌ها هم به عنوان یکی از دو طرف رابطه جنسی دقت کنند و در تعاملات جنسی آن‌ها را مدنظر قرار دهند لذا عدم توجه مردان به این موضع اثرات منفی‌ای بر انگیزش جنسی زنان می‌گذارد. اما در نسل سوم از آنجا که میزان ابراز گری در روابط جنسی بیشتر از دو نسل قبل است و زوجین در این باره راحت تر با هم صحبت می‌کند و خواسته های خود را در میان می‌گذارند.

در نهایت عوامل مذهبی یکی از علل تعارضات زناشویی بود که بین زوجین مزدوج شده در سه دهه تفاوت معنی دار وجود داشت، و این عامل در زوجین مزدوج شده در دهه ۱۳۸۰ بیشتر از دو دهه دیگر بود، در تبیین این یافته می‌توان گفت جوانان امروز میان انبوهی از ارزش های سنتی که از طریق جامعه پذیری کسب کرده اند و از طریق والدین به وی انتقال یافته است از یک طرف از طرفی کثرت ارزش های غربی قرار گرفته است. در نتیجه جوان در انتخاب الگوی زندگی خود در دوراهی قرار می‌گیرد و ناگزیر از میان این دو دسته ارزش های گاهاً متضاد، شیوه و سبک خاصی از زندگی و همچنین دینداری را برای خود برمی‌گزیند (۲۵). بنابراین دچار نوعی بحران ارزشی می‌گردد و این مسئله تبعات خود را در زندگی زناشویی فرد نیز نشان می‌دهد، با توجه به یافته های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد زوجین مزدوج شده در دهه ۷۰ یا نسل اول که در حال حاضر در دوران میانسالی خود هستند کمتر دچار چنین تعارضاتی باشند چرا که هویت ارزشی و دینی آنها شکل گرفته و هر دو از لحاظ انگیزه های دینداری، شکل و محتوای دینداری به همدیگر شبیه هستند و در واقع زوجین در ارزش های دینی و اعتقادی همسو هستند و اگر هم اختلافی در این زمینه دارند اختلاف آنقدر ریشه‌ای نیست و همدیگر را همانطور پذیرفته اند، از طرفی ساروخانی و صدیقی (۲۶) معتقدند ویژگی های موجود در سبک زندگی نسل جدید، باعث ایجاد ماهیتی نو و متفاوت از دینداری برای نسل نوین شده است؛ بنابراین دینداری و به تبع آن رفتار دینی افراد مبتنی بر نوعی احساس دینی است که می‌تواند محتوای متفاوتی را در خود جای دهد (۲۷)، بنابراین در شکل و محتوای اعتقادات مذهبی و دینی افراد تحولاتی رخ داده است که این به معنای عدم دینداری و عدم اعتقادات مذهبی نیست، در این بین بخشی ممکن است، شیوه جدید اعتقادات و دینداری را در پیش گیرند و بخشی بر همان روش نسل های پیشین، لذا شکل و محتوای متفاوت اعتقادات مذهبی در زوجین

شوهر، تغییر در مفهوم نقش است، دگرگونی های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی و ورود زنان به بازار کار و اجتماع، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش ها و در پی آن، توزیع قدرت در خانواده شده است. از آنجا که ایران یکی از کشورهای در حال توسعه جهان است و به سوی صنعتی و جهانی شدن گام برمی‌دارد، بدیهی است که ساختار توزیع قدرت در خانواده نیز در این تالطم دستخوش تغییرات ساختاری شود و چنین تغییراتی می‌تواند به بروز تعارضاتی در فضای خانواده منجر شود که در زوجین جوان تر بیشتر از زوجین دهه های قبل شاهد چنین مساله ای هستیم. پژوهش تانیکوچی و کافمن (۱۹) نشان داد که زنان تساوی‌گرا رضایت زناشویی پایین تری نسبت به زنان با نقش های سنتی داشتند. در جامعه در حال گذاری همچون ایران، که از سویی در معرض ارزش های سنتی خویش قرار دارد و از سویی تحت تأثیر روند جهانی شدن و حرکت به سمت جامعه توسعه یافته حرکت می‌کند، باید منتظر بروز تعارضاتی در خانواده بود؛ به این ترتیب که در جامعه جهانی شده مفهوم مردسالاری در ساختار اجتماعی به چیزی شبیه عدم تساوی زن و مرد و برتری مرد تعبیر شده است. از این دیدگاه، مردسالاری، مردان را در موضع قدرت، اختیار و تحکم، و زنان را در موضع فرمانبرداری و اطاعت قرار می‌دهد. ایجاد چنین دیدگاه منفی در مورد مردسالاری باعث دگرگونی این ساختار شده است. وقتی مردان جایگاه تاریخی خود را از دست می‌دهند، بیش از پیش نگران جایگاه خود می‌شوند که این امر گاهی اوقات به مقاومت آنان منجر می‌شود که باعث بروز تعارضاتی میان زن و مرد می‌شود (۲۰).

در جامعه‌ی امروزی، بر خلاف دو دهه قبل اغلب دختر پسرها، هر یک نوعی از روابط آزاد را تجربه می‌کنند که در این روابط ممکن است احساس عاطفی شکل بگیرد و هر یک به دلایلی به سرانجام نرسد و زندگی زناشویی فعلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد، نتایج پژوهشی نشان داد احتمال طلاق در افرادی که قبل از ازدواج روابط پیشرفته با غیر همسر داشتند ۳/۶۳ برابر بیشتر از افرادی است که چنین تجربه ای نداشتند (۲۱)، روابط عاطفی قبل از ازدواج در پژوهش حاضر به دو طریق در ایجاد و تشدید تعارضات زوجین نقش داشتند یکی از طریق حساسیت های خود فرد نسبت به روابط عاطفی قبلی‌اش یعنی فرد هنوز در ذهن و خیال خود به او فکر می‌کند و به صورت مداوم خاطرات گذشته را مرور یا بازگو می‌کند یا همسرش را به لحاظ ظاهر (تیپ، قیافه و قامت) و اخلاقی (خلق و خو و رفتار) و خواسته ها و توقعات با فرد قبلی مورد مقایسه قرار می‌دهد، چنین طرز تفکری در صورت ادامه یافتن، رابطه‌ی جدید را دچار اختلال می‌کند، از طرفی گاهی یکی از همسران نسبت به روابط قبلی همسرش حساسیت نشان می‌دهد و سعی در کنترلگری او دارد که این عامل نیز زمینه ساز ایجاد و تشدید تعارض است در صورتی که هرچه به دهه های قبل تر خصوصاً دو دهه قبل برگردیم، میزان روابط دختران و پسران قبل از ازدواج در مقایسه با دهه‌ی اخیر بسیار پایین تر بود، همچنین در زوجین مزدوج شده در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ گذشت سال ها از ازدواج این مسائل به عنوان منبع تعارض جای خود را به موارد دیگر داده است اما زوجین جوانتر در ابتدای زندگی زناشویی هستند و چه بسا هنوز یک سال از روابط عاطفی قبلی نگذشته است بنابراین طبیعی است که روابط قبلی در صورت حل و فصل نشدن اثرات خود را در زندگی زناشویی فعلی نشان دهد.

در ادامه یافته های حاصل از پژوهش نشان داد که میانگین تعارضات زناشویی در عامل های عدم حمایت و مراقبت از یکدیگر، عدم جذابیت و نارضایتی جنسی در زوجین مزدوج شده در دهه ۱۳۷۰ بیشتر از دو دهه دیگر بود، علت این تفاوت به علت تفاوتی است که در ویژگی های نسل ها وجود دارد، زوج های دهه ی ۱۳۷۰ به نسبت زوج های جوانتر ابرازگری کمتری دارند یعنی زن و شوهر با وجود اینکه به هم علاقه‌مندند؛ اما راه

13. Momeni kh, Amani R, Majzoobi M. (2011). The Impact of Globalization on Family Structure and Function through the Development of Individualism. International Conference on Family and Globalization of Beheshti University, Tehran.
14. Jahani Dolatabad A, Hoseini SH. (2015). Sociological study of the causes and contexts of marital conflicts in Tehran. *journal of social problems of Iran*; 5(2):329-365
15. Obelenienė B, Gabševičienė G. (2015). Causes of Conflict in Marriage as Expressed by Moderators and Participants of the "Encounters of Married Couples" Programme. The Contemporary Family: Local and European Perspectives the Pontifical University of John Paul II in Krakow Press, Kraków; 4(2):81-94.
16. Mousavi SF, Dehshiri GH. (2014). The role of Discrepancy between Expectations and Reality of marital relationship in marital satisfaction of married people in Tehran. *Journal of Social Psychological Studies of Women*; 13(2):93-110.
17. Birditt KS, Fingerman KL, Almeida DM. (2005). Age differences in exposure and reactions to interpersonal tensions: a daily diary. *Stud Psy Aging*; 20(2): 330.
18. Pahlavan M, Mootabi F, Mazaheri M. (2015). Reaction to Marital Conflict: An Intergenerational Study. *IJPCP*; 21 (3):202-214.
19. Taniguchi H, Kaufman G. (2013). Gender role attitudes, troubles talk, and marital satisfaction in Japan. *Journal of Social and Personal Relationships*; 31(7):128-144.
20. Amani R. (2014). Comparison of marital conflict in structure The family power distribution triangle. *The Women and family cultural education*; 10(32):41-53.
21. Farahani Khalajabadi F, Kazemipoor SH, Rahimi A. (2013). The Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran. *Journal of Family Research*; 9(33):8-30.
22. Ghorashi Z, Merghati Khoei E. (2017). Exploring the Reducing Satisfactory Response in Married Women of Reproductive Age: Qualitative Study. *IJPCP*; 22 (4):300-307.
23. Sims KE, Meana M. (2010). Why did passion wane? A qualitative study of married women's attributions for declines in sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*; 36(4):360-80.
24. Levine SB. (2002). Reexploring the concept of sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*; 28(1):39-51.
25. Amiri S, Asgharpour Masouleh A. (2013). The emergence of selective religiosity in young girls, a qualitative study in the city of Mashhad.

نسل اول و دوم احتمالاً زمینه ساز افزایش تعارضات زناشویی بین آنها است.

Reference

1. Jalali N, Heydari H, Davoodi H & et al. (2020). A Comparison between the Effectiveness of Training Intervention Based on Emotionally Focused Approach and Gottman's Relationship Enrichment Approach on Women's Marital Conflicts. *journal of Cultural Psychology*; 3(1):42-62.
2. Kışlak-Tutarel Ş, Göztepe I. (2012). The relationship between emotional expression, empathy, depression and marital adjustment. *Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*; 3(2):27-46.
3. Bitter, James R, Byrd, Rebekah J. (2016). Adlerian Family Therapy. The SAGE Encyclopedia of Marriage, Family, and Couples Counseling 1st Edition; 1(3):14-20.
4. Babaie E. (2018). Prediction of marital conflicts of women involve in domestic violence based on sexual schemas, sexual function and sexual satisfaction. *IJPN*; 6(5):16-24
5. Tolorunleke CA. (2014). Causes of Marital Conflicts Amongst Couples in Nigeria: Implication for Counselling Psychologists *Procedia.Social and Behavioral Sciences*; 140(14):21 – 26.
6. Mbwirire J. (2017). Causes of marital conflicts in christian marriages in Domboshava area Mashonaland east province, Zimbabwe, Faculty of Applied Social Science, Zimbabwe Open University, Harare, Zimbabwe, *International Journal of Humanities, Art and Social Studies (IJHAS)*; 1(2):59-75.
7. Callian T, Siewgeok L. (2009). A study of marital conflict on measures on social support and mental health. *sunway university collage*
8. Dildar S, Sitwat A, Yasin S. (2013). Intimate Enemies: Marital Conflicts and Conflict Resolution Styles in Dissatisfied Married Couples. *Middle-East J Sci Res*; 15(10):1433-9.
9. Robles TF, Slatcher RB, Trombello JM & et al. (2014). Marital quality and health: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*; 140(1):140-187.
10. Davies PT, Cummings EM. (2012). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological Bulletin*; 116(33):387-411.
11. Mirmohammad Rezaee Z, Sarookhani. Bagher. (2018). The role of globalization in the changes of the Iranian family in the last two decades. *13(44):131-164.*
12. Libi MM. (2013). Family in the twenty-first century. Tehran. Publication of science

- Bi-Quarterly Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad; 13(2):1-22
26. Sarookhani.B, Sedaghatifar.M. Generation gap in the Iranian family; Views and insights. Journal of social sciences. 2010;3(4):7-31
27. Hasanpoor A, Memar S. (2014). The Investigation of Youth Religiosity, with The Emphasis on self Refrentional religiosity (using Grouned teory). Cultural research; 8(3):9-13.